



مطلع عشق

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده اند:

وقتی زن، باردار می‌شود پاداش او همانند کسی است که با جان و مال خود در راه خدای متعال جهاد می‌نماید.

(بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۲)

پدر و مادر اولین الگوی تعهدپذیری فرزندان هستند

## تربیت کودک مسئولیت‌پذیر

**مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌گریزی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های تربیت والدین امروزی است، اغلب والدین در میانه این دو مسیر جا مانده‌اند و نمی‌دانند تدبیر درست، گام برداشتن در کدام مسیر است. اگر از کودک انتظاراتی مطالبه کنند ممکن است او دلزده و غمگین شود یا اگر کودک را رها کنند در عاقبت ممکن است او وظیفه‌شناس و متوقع شود و... حال بماند که گاهی نیز والدین به یمن و خیال «پدر و مادر خوب بودن»، آنچه را که خود ندارند در فرزندان‌شان جست‌وجو می‌کنند. بسیاری از والدین امروزی اگر چه در ظاهر مسؤول و متعهد به نظر می‌آیند اما در واقعیت در قبال فرزندان خود بی‌مسئولیت و تعهدناپذیرند و متأسفانه این عامل، آغاز گر بسیاری از مشکلات تربیتی به خصوص سر در گمی و تناقض، دل‌سردی و بی‌اعتمادی در فرزندان است. والدین باید بدانند فرزندان‌شان به پدر و مادر متعهد و مسئولیت‌پذیر نیاز دارند و این که اگر در مراحل مختلف زندگی شیوه مسئولیت‌پذیرانه را در صدر اولویت کارهایشان قرار دهند هر گز باعث احساس بیگانگی، اجتناب و دوری فرزندان با خودشان نخواهند شد. درک این واقعیت ساده، در جهت آموزش تعهد و مسئولیت‌پذیری، کمک بزرگی به والدین است.**

### والدین اولین الگو

والدین نقش مهمی در مسئولیت‌پذیری فرزندان‌شان دارند، آنان نه تنها باید کودک‌شان را در این مسیر، درست هدایت کنند بلکه خود نیز باید الگو و سرمشق خوبی باشند تا در عمل نیز به فرزندان‌شان نشان دهند که مسئولیت‌پذیری چیست و چگونه می‌توان در آن جهت به‌طور موفقیت‌آمیزی گام برداشت؛ بی‌شک والدینی که خود متعهد و مسئولیت‌پذیر نیستند نمی‌توانند در مسئولیت‌پذیر کردن فرزندان‌شان موفق شوند. به‌طور مثال مادری که به جای رسیدگی به امور خانه و زندگی، بیشتر وقت خود را پای تلویزیون می‌گذراند یا پدری که اغلب اوقات سر کار است و کمتر به نیازهای همسر و فرزندان‌ش توجه می‌کند یا پدر و مادری که هرگز مطالعه و تفکر نمی‌کنند و در رفتار و کردار خود به کارگیری هوش و دانش را به عنوان یک ارزش و قابلیت قلمداد نمی‌کنند و... بی‌تردید هرگز نمی‌توانند در آموزش در دست تعهد و مسئولیت‌پذیری به فرزندان‌شان و نشان دادن رفتار خوب و متعهدانه و مسؤول بودن در نقش‌های خانوادگی و اجتماعی به آنها موفق شوند. از سوی دیگر اگر کودک به‌طور عملی با آموزش مستقیم از والدینش چیزی در این باب نیاموزد، نه تنها به قدرت و توانایی والدینش شک می‌کند بلکه حتی ممکن است مسئولیت‌گریزی را پذیرش و امری عادی و بهینه قلمداد کند که در تنگنای زندگی نیز می‌توان به عنوان روشی برای حل مساله به آن متوسل شد. این وضعیت آنچنان بار آموزشی قوی دارد که گاهی قدرت والدین و به تبع آن احترام را نیز زیر سوال می‌برد، طوری که اگر والدین مدام در قبال فرزند خود کوتاهی کنند نه تنها حرمت نفس و عزتی‌نزد فرزندان‌شان نخواهند داشت بلکه حتی ممکن است فرزندان به والدین‌شان آنچنان که شایسته است علاقه نداشته باشند و آنان را افرادی ضعیف و حتی مسبب مشکلات‌شان قلمداد کنند؛ چون گمان می‌برند همین والدین هستند که او را از فرصت یادگیری ارضای نیازهایش محروم کرده‌اند. در حالی که اگر مسؤولیت و تعهد مستدل و برای کودک قابل فهم باشد و از همه مهم‌تر وقتی که رفتار خود والدین با انتظارات و توقعاتی که از فرزندان دارند همخوانی داشته باشد، فرزندان به‌رغم همه سختگیری‌های والدین‌شان، با تمام وجود و اطمینان، آنان را دوست خواهند داشت و قوانین و انضباط رفتاری و کلامی آنها را پذیرش کرده و به آن احترام خواهند گذاشت.

### پرهیز از دوگانگی

برخی از والدین تکلیف‌شان با خودشان هم مشخص نیست، چه برسد بخواهند برای فرزندان‌شان هم حدود و مقرراتی مشخص کنند. متأسفانه همین عامل باعث ایجاد تضاد، تعارض و دوگانگی می‌شود، مثلاً والدینی که یک روز در موقعیتی مساعد و دلخواه، مراقبت از فرزندان کوچک‌تر را مظهری از تعهد و مسئولیت‌پذیری بزرگ‌تر تعریف می‌کنند و قبول دارند، روزی دیگر در موقعیتی متفاوت احیاناً اگر بحرانی و وخیم باشد، همین تعهد فرزند بزرگ‌تر را زیر سوال برده و حتی ممکن است او را از این مسؤولیت نهی یا او را سرزنش، تحقیر و مورد انتقاد و تخطئه قرار دهند؛ بی‌تردید این دوگانگی رفتار، اگر با توضیح و بیان علت رفتار برای فرزند بزرگ‌تر حل نشود یا حدود ارتباط و مسؤولیت جدید او تعیین و مقرر نشود، بی‌گمان کودک را دچار تناقض و سردرگمی خواهد کرد و چه بسا حتی ممکن است او گمان کند مسؤولیت‌پذیری، رفتاری بس بی‌هوده و حتی متوقانه و سوءاستفاده‌گرانه از جانب دیگران است. به همین دلیل اکیداً به والدین توصیه می‌کنیم دیدگاه بهینه و مشخصی از مسؤولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی فرزندان‌شان داشته باشند و در گفت‌وگویی صمیمانه حدود آن را تعریف و مشخص کنند و از همه مهم‌تر آن که به‌هنگام مواجهه با موقعیتی اضطرابی، که نیاز به تجدید نظر، اصلاح و ترمیم چارچوب‌های مسؤولیتی احساس می‌شود باید با توجه به تعریف پیشین خود از مسؤولیت‌پذیری، چارچوب آن تعهد مقرر شده را نظم و انضباط دهند یا تبصره‌ای به آن اضافه کنند. انجام همین عمل به‌ظاهر ساده کودک را متوجه این مهم می‌کند که او هنوز هم مسؤول است اما حدود اختیارات او همیشه تام و کمال نیست چه بسا گاهی بر حسب شرایط مختلف میزان تعهدش کم‌رنگ و پررنگ می‌شود؛ بی‌گمان فراگیری و تشخیص به‌موقع این موضوع، اثرات آموزشی مثبت دیگری را نیز به همراه دارد و کودک را از پذیرش مسؤولیت افراطی که گاه به‌طور اضمحلالی در جهت کمالگرایی یا خودفراموشی هم پیش می‌رود، بر حذر می‌دارد.

### مولفه‌های مهم مسئولیت‌پذیری

دلسوزی و ترحم، گذشت و فداکاری، مادر/پدر خوب یا بد بودن مولفه‌های مهمی است که اغلب باعث می‌شوند والدین با نظر گاهی احساسی به موضوعات تربیتی فرزندان‌شان نگاه کنند، اگر چه شاید والدین دوست دارند فرزندنی مسؤولیت‌پذیر پرورش دهند، اما گاهی به‌خاطر احساسات مثبت و لحظه‌ای موقت‌شان مجبور می‌شوند در برابر خواسته‌ها و توقعات نابجای فرزندان‌شان، سر تسلیم فرود آورند و چه بسا گاهی تکرار این عمل، اثری معکوس و برخلاف نظر تربیتی والدین به‌جا می‌گذارد. به همین دلیل روان‌شناسان به والدینی که دوست دارند فرزند مسؤول و متعهدی داشته باشند، توصیه می‌کنند همیشه و همه‌جا از موضع درست آموزش مسؤولیت‌پذیری خود دفاع کنند؛ در حقیقت والدینی که بر هدف تربیتی خود مصمم هستند حاضرند ناراحتی، خشم، غم و قهر شدید فرزند خود را تحمل کنند؛ اما به هیچ وجه در برابر خواسته‌های نامعقول فرزند خود کوتاه نیایند. این دسته از والدین در عین توجه به نیازهای کودک و انعطاف‌پذیری لازم، اغلب کودک‌شان را تا آنجا که مفید و میسر است در مسیر مسؤولیت‌پذیری پیش می‌رانند. در حقیقت والدین با اصرار بر این امر، آموزه‌ای را بر ذهن کودک خود حک و نهادینه می‌کنند که در طول زندگی نیز، یاریگر و کمک‌رسان فرزندان‌شان خواهد بود؛ اما در مقابل والدینی که چنین کاری نمی‌کنند، متأسفانه الگویی از مسؤولیت‌گریزی را پیش روی فرزندان‌شان قرار می‌دهند که سعادتمندی آنان را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، چه بسا این الگوی مخرب، اغلب کودک را از ارضای درست نیازهایش و به تبع آن احساس لیاقت، شایستگی و ارزشمندی باز می‌دارد.

نسرین صفری / روان‌شناس بالینی

